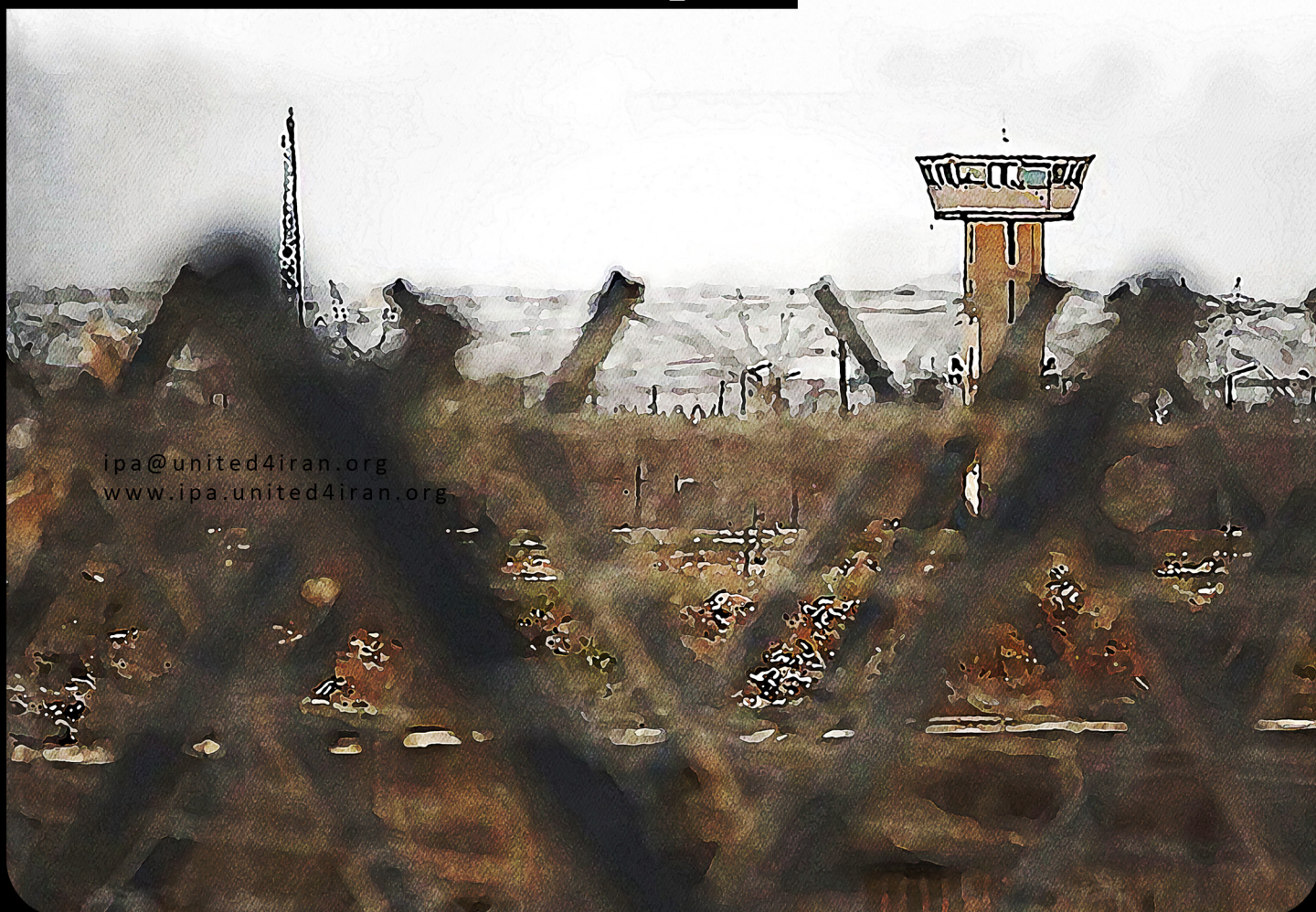




ipa@united4iran.org
www.ipa.united4iran.org

گزارش اطلس زندان های ایران از بازداشتگاه های
۵۹، دو الف، یک الف و ۶۶ سپاه پاسداران در تهران

بازداشتگاه های سپاه در تهران



ipa@united4iran.org
www.ipa.united4iran.org

بازداشتگاه‌های سپاه در تهران

انتشار: فروردین ۱۳۹۹

برای بسیاری از ایرانی‌ها نام سپاه تداعی‌گر سرکوب و زندان و شکنجه است. مشارکت سپاه در سرکوب، قدمتی به درازای عمر جمهوری اسلامی دارد. بازداشت مجتبی طالقانی، فرزند محمود طالقانی تنها چند ماه پس از پیروزی انقلاب ۵۷، نخستین پرونده جنجالی‌ای است که نام سپاه با آن گره خورده است. هرچند مجتبی طالقانی در مدت کوتاهی آزاد شد، اما ایفای نقش سپاه در سرکوب همچنان ادامه یافت.

گاه به دلیل انسجام بیش‌تر حکومت و محدودیت اعتراضات، وزارت اطلاعات نقش اصلی را در سرکوب ایفا کرده، اما گاهی سپاه نقش پررنگ‌تری یافته است. به طوری که در سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ و نیز در سرکوب اعتراضات دی ۹۶ و آبان ۹۸ این ارگان نظامی نقش اصلی را در سرکوب معترضان ایفا کرد. بسیاری از فعالان سیاسی و اجتماعی ایران که پایشان به بازداشتگاه‌های سپاه باز شده، خاطرات تلخی از شکنجه‌های جسمی و روحی در این بازداشتگاه‌ها دارند. از اوایل دهه ۸۰ به این سو، بند دوالف اوین (بازداشتگاه اصلی سپاه در تهران) به عنوان یکی از بدنام‌ترین مراکز سرکوب در ایران در بین فعالین سیاسی مشهور شده است. سپاه در تهران و دیگر شهرستان‌ها بازداشتگاه‌های متعددی دارد که اطلاعات مربوط به بعضی از آن‌ها به رسانه‌ها راه پیدا کرده، اما احتمالاً بازداشتگاه‌های ناشناخته دیگری نیز در کشور وجود دارند که سپاه آن‌ها را اداره می‌کند. اطلاعاتی که اطلس زندان‌های ایران در سال‌های گذشته جمع‌آوری کرده، نشان می‌دهد که به طور کلی خبرهای بیش‌تری در رابطه با بازداشتگاه‌هایی از سپاه منتشر شده که زندانیان سیاسی و عقیدتی اغلب در آن‌ها نگهداری می‌شوند. بازداشتگاه‌هایی که در آن‌ها کادرهای نظامی محبوس هستند، ناشناخته‌تر هستند و گفته می‌شود که شکنجه‌های شدیدتری در آن‌ها اعمال می‌شود. در این گزارش به بازداشتگاه‌های ۵۹، دوالف، یک الف و ۶۶ می‌پردازیم که همگی در تهران و تحت نظر سپاه پاسداران هستند. اطلس تأکید می‌کند که بازداشتگاه‌های سپاه در خارج از تهران، به خصوص در استان‌های مرزی، در کنار بازداشتگاه‌های وزارت اطلاعات از بدترین شکنجه‌گاه‌های ایران هستند، اما در این گزارش به آن‌ها پرداخته نشده است.

سازمان اطلاعات سپاه

پس از تاسیس وزارت اطلاعات که به تجمیع نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی انجامید، قسمت‌هایی از سپاه پاسداران، اطلاعات نخست‌وزیری و اطلاعات دادستانی که به تعقیب، دستگیری و شکنجه مخالفین می‌پرداختند منحل شده یا به حاشیه رانده شدند. پیش از آن سپاه و بازداشتگاه‌های آن از مراکز اصلی سرکوب گروه‌های مخالف حکومت ایران بودند. شکنجه‌های بسیار شدید در بازداشتگاه‌های سپاه به تواتر در خاطرات زندانیان سیاسی ذکر شده است. بازداشتگاه‌های سپاه به خصوص در خارج تهران فعالیت گسترده‌ای در دستگیری و شکنجه فعالین سیاسی داشتند.

سپاه پس از این که برای حدود ۱۵ سال در زمینه سرکوب مخالفین داخلی زیر سایه وزارت اطلاعات ماند، مجدداً پس از روی کار آمدن محمد خاتمی، به ایفای نقش جدی و موثر در سرکوب مخالفین پرداخت. شعارهای اصلاح‌طلبانه محمد خاتمی و پذیرش رسمی نقش وزارت اطلاعات در قتل‌های زنجیره‌ای، حکومت ایران و به ویژه رهبر آن، علی خامنه‌ای را نگران کرد و آن‌ها را نسبت به توان وزارت اطلاعات در هدایت سرکوب به تردید انداخت. رهبر حکومت ایران دیگر مطمئن نبود که وزارت اطلاعات که رضایت خاطر مقامات حکومتی را در سرکوب، از جمله در برخورد با بیانیه ۹۰ امضایی خطاب به هاشمی رفسنجانی، قتل شاپور بختیار، قتل قاسملو و شرفکندی و بسیاری دیگر از فعالین خارج از کشور، قتل‌های زنجیره‌ای در داخل کشور و مهم‌تر از همه ایفای نقش در اعدام‌های سال ۱۳۶۷ کسب کرده بود، بتواند همچون گذشته به کار خود ادامه دهد. دری نجف‌آبادی، اولین وزیر اطلاعات دولت خاتمی در [مصاحبه](#) با خبرگزاری فارس به اختلافات بین خاتمی و خامنه‌ای در این باره و بن‌بست ایجادشده اشاره کرده است. در خاطرات برخی زندانیان سیاسی همچون سعید ماسوری به خودداری وزارت اطلاعات از شکنجه فیزیکی و در خاطرات برخی دیگر چون یوسف بنی‌طرف به انتقال موقت زندانی به

بازداشتگاه‌های نهادهای دیگر برای شکنجه و اعتراف‌گیری

در برخی سال‌های دولت اصلاحات اشاره شده است. مجموع این تحولات به قدرت گرفتن معاونت اطلاعات سپاه انجامید که برخلاف وزارت اطلاعات نه حتی در ظاهر به مجلس و دولت، بلکه تنها به فرماندهی سپاه و رهبر پاسخگو بود. در برخی منابع آمده است که مسئول این معاونت به طور مستقیم از طرف رهبر منصوب می‌شود. علاوه بر این قوه قضائیه نیز این سازمان را به عنوان ضابط قضائی وارد پرونده‌های مهم کرد و روز به روز بر قدرت آن افزود. گفته می‌شود که پس از پذیرش رسمی نقش وزارت اطلاعات در قتل‌های زنجیره‌ای و اخراج تعدادی از کارکنان این وزارتخانه، برخی از اخراجی‌ها جذب معاونت اطلاعات سپاه شده و دیدگاه‌های افراطی این معاونت را تقویت کردند.

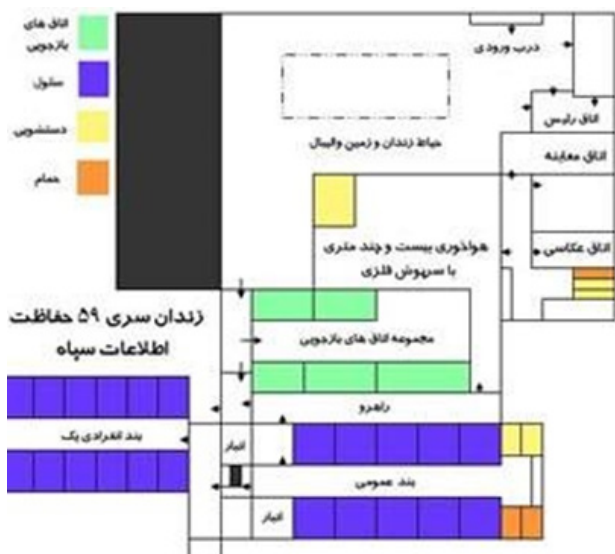
پس از آغاز اعتراضات جنبش سبز، در سال ۸۸ معاونت اطلاعات سپاه به سازمان اطلاعات سپاه تبدیل شد و حیطه اختیاراتش افزایش یافت. برخی منابع می‌گویند که در سال ۱۳۹۵ بار دیگر به اختیارات سازمان اطلاعات سپاه افزوده شده و این سازمان بیش از پیش وارد حوزه‌های غیرنظامی شده است. در سال ۱۳۹۸ معاونت اطلاعات راهبردی سپاه نیز در سازمان اطلاعات سپاه ادغام شد و این سازمان بزرگ‌تر از پیش شد. سازمان اطلاعات سپاه بودجه خود را از دولت دریافت می‌کند.

حسین طائب، بازوی اطلاعاتی بیت رهبری

حسین طائب در مهر ماه سال ۸۸ به ریاست سازمان اطلاعات سپاه منصوب شد. طائب در دوران وزارت علی فلاحیان، معاونت ضدجاسوسی وزارت اطلاعات را برعهده داشته و اکنون به مدت ۱۰ سال است که رئیس سازمان اطلاعات سپاه است. علاوه بر مخالفان حکومت ایران، برخی از چهره‌های سیاسی اصلاح‌طلب درون حکومت نیز نسبت به عملکرد طائب انتقاداتی دارند. او در زمان انتخابات سال ۸۸ و آغاز فعالیت‌های جنبش سبز، ریاست سازمان بسیج را بر عهده

مشخصات فیزیکی

کوروش صحتی، زندانی سیاسی‌ای که مدتی در این زندان به سر برده است سلول‌های این زندان را چنین توصیف کرده است: «شرایط بندهای انفرادی که من در آنجا محبوس بودم، بدین گونه بود: بند یک شامل یک راهرو به شکل حرف T بود. در یک سو چهار دستشویی و روبروی آن چهار حمام قرار داشت و بقیه قسمت‌های این بند، شامل سلول‌های انفرادی بود که در دو ردیف و روبروی هم قرار داشتند؛ سلول‌هایی به ابعاد یک و نیم در دو متر که دریاچه بسیار کوچکی در قسمت بالای آن قرار داشت. این دریاچه به وسیله شبکه‌های آهنی پوشانده شده بود و منفذ کوچکی برای عبور هوا ایجاد کرده بود. درب آهنی سلول دو دریاچه کوچک، یکی در قسمت بالا و یکی در قسمت پایین داشت که از خارج از سلول و توسط نگهبانان گشوده می‌شدند. درب کوچک بالایی برای آن بود که نگهبانان آن را گهگاهی باز کرده و وضعیت زندانی را مشاهده کنند. همین طور هنگامی که به بازجویی برده می‌شدیم، چشم‌بند را از آنجا به داخل سلول پرتاب کرده و اعلام می‌کردند که با زدن چشم‌بند برای انتقال به اتاق بازجویی آماده شویم. درب پایینی هم برای تحویل غذا به زندانی استفاده می‌شد. لوله‌ای از داخل سلول رد می‌شد که گاهی آن چنان گرم می‌شد که مجبور می‌شدی لباس‌هایت را از تن بکنی و گاهی شوفاژ را خاموش می‌کردند که از شدت سرما می‌لرزیدی.»



پلان بازداشتگاه ۵۹ سپاه

دیگر زندانیان سیاسی نیز خاطرات تلخی از سلول‌های زندان ۵۹ دارند. وحید پوراستاد در [مستند انفرادی](#) نظر چند نفر از زندانیان سیاسی محبوس در این زندان را آورده است که همگی بر مشکلاتی مانند کوچکی ابعاد سلولها، دسترسی نامناسب به توالت، نبود تهویه مناسب و برخوردهای خشن بازجویان تأکید کرده‌اند. عزت‌الله سبحانی دوره بازداشت در این بازداشتگاه و شکنجه‌های اعمال شده در مورد خود را از تمامی موارد قبل و بعد از انقلاب شدیدتر دانسته است. برخی دیگر از بازداشت‌شدگان در این زندان نیز به شکنجه‌های شدید زندانیان اشاره کرده‌اند؛ بیدار خوابی‌های طولانی‌مدت، ضرب و شتم، توهین و تحقیر، بازجویی‌های طولانی‌مدت گاه تا ۱۸ ساعت متوالی، قرار دادن زندانی در محیط بسیار سرد و اعدام مصنوعی از جمله این تکنیک‌ها بوده است.

داشت؛ نیروهای بسیج علاوه بر ایفای نقش موثر در نقض آزادی‌های اجتماعی مردم ایران، در کنار سپاه در ضرب و جرح، بازداشت و نیز قتل معترضان، از سرکوب جنبش دانشجویی و اعتراضات منطقه‌ای گرفته تا سرکوب اعتراضات پرحادثه‌تر سال‌های ۸۲، ۸۸، ۹۶ و ۹۸ دست داشته‌اند. حسین طائب مدتی بعد از انتخابات سال ۸۸، به دلیل نقض آشکار حقوق بشر از سوی اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا تحریم شد.



بازداشتگاه ۵۹

بازداشتگاه ۵۹ سپاه واقع در ضلع جنوب غربی پادگان ولی‌عصر (عشرت آباد) و در شمال میدان سپاه واقع شده است. زندان پادگان عشرت آباد از قبل از انقلاب فعال بوده و زندانی سیاسی نیز در آن وجود داشته است. برخی از فعالان سیاسی و مذهبی قبل از انقلاب در آن زندانی بوده‌اند. مشهورترین آن‌ها روح‌الله خمینی است. او پس از سخنرانی در مخالفت با شاه در سال ۱۳۴۲، دستگیر و برای مدتی در این زندان حضور داشته است. عزت‌الله سبحانی زندانی دیگری است که هم‌زمان با خمینی در این زندان محبوس بوده است. سبحانی حدود چهار دهه بعد، دوباره سر و کارش به همین زندان افتاد و این بار در زمان حکومتی که روح‌الله خمینی، هم‌بندی سابقش بنیان گذارده بود، بیش از ۴۰۰ روز در انفرادی‌های این بازداشتگاه‌ها تحت شکنجه بود. مشخص نیست که پس از انقلاب این بازداشتگاه دقیقاً از چه زمانی برای نگهداری زندانیان سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است. نخستین زندانیان سرشناس این بازداشتگاه پس از ریاست جمهوری خاتمی، عزت‌الله سبحانی و علی افشاری بودند که هر دو در آذرماه ۱۳۷۹ بازداشت شدند. دیگر فعالان ملی مذهبی و اعضای نهضت آزادی نیز به مرور تا فروردین ۱۳۸۰ روانه این بازداشتگاه شده و تحت بازجویی قرار گرفتند. این بازداشتگاه زیر نظر سازمان زندان‌ها قرار نداشت.



نقشه ماهواره ای بازداشتگاه ۵۹

تعطیلی بازداشتگاه ۵۹

اواخر دهه ۷۰، هم‌زمان با آغاز دوره جدید فعالیت اطلاعاتی سپاه پاسداران و در حالی که روز به روز حیطه اختیار عمل این نیرو افزایش می‌یافت، صدهای مخالف نیز به گوش می‌رسید. برخی نمایندگان مجلس ششم در پی اعمال نظارت بر روند قضائی و به ویژه بازداشتگاه‌ها بودند. تعطیلی بازداشتگاه‌های غیرقانونی که خارج از حیطه نظارت سازمان زندان‌ها قرار داشتند، یکی از مهمترین اهداف این نمایندگان بودند. نمایندگان وابسته به تحکیم وحدت مانند علی‌اکبر موسوی خوئینی و برخی از اعضای جبهه مشارکت مانند الهه کولائی نقش موثری در این زمینه داشتند. بازداشتگاه ۵۹ سپاه یکی از مهم‌ترین این زندان‌های غیرقانونی بود. اوایل سال ۱۳۸۱ پس از کش و قوس‌های فراوان این اقدامات به نتیجه رسید و این بازداشتگاه تعطیل شد. علی‌اکبر موسوی خوئینی در تاریخ ۲۸ مهرماه ۱۳۸۱ در گفتگو با خبرنگاران خبر تعطیلی این بازداشتگاه را اعلام کرد.

بازداشتگاه ۶۶ سپاه

بازداشتگاه ۶۶ سپاه در سه‌راه تختی، داخل پادگان قصر فیروزه واقع شده است. این بازداشتگاه بیش‌تر محل نگهداری پرسنل سپاه است. اما گفته می‌شود که در برخی موارد زندانیان سیاسی نیز به این بازداشتگاه منتقل شده‌اند. همانند زندان ۵۹، مجلس ششم تلاش بسیار زیادی کرد که این بازداشتگاه تعطیل و یا تحت نظارت سازمان زندان‌ها قرار گیرد. در نهایت طی توافقی بین سپاه پاسداران و سازمان زندان‌ها، این بازداشتگاه تحت نظارت سازمان زندان‌ها برای نگهداری پرسنل سپاه مورد استفاده قرار گرفت. در سال‌های گذشته خبری درباره انتقال زندانیان سیاسی و عقیدتی به این بازداشتگاه منتشر نشده است.



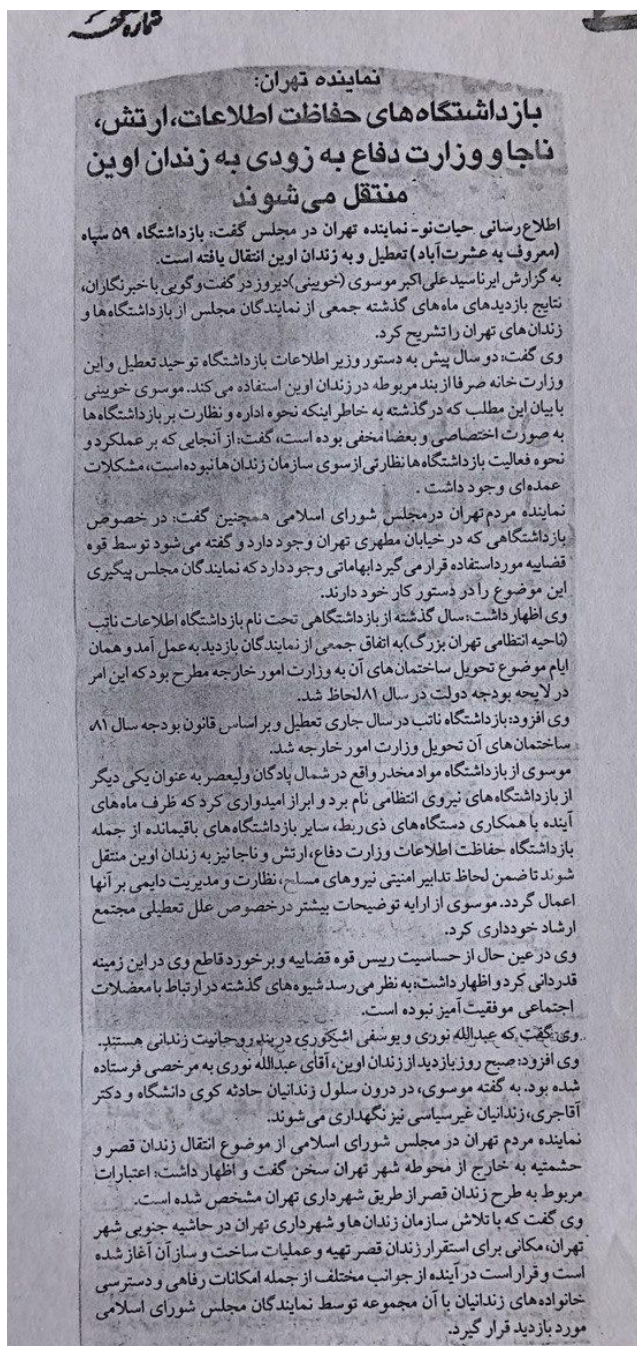
مکان تقریبی بازداشتگاه ۶۶

بازداشتگاه دوالف

دو ماه بعد از اعلام خبر تعطیلی بازداشتگاه ۵۹، به دنبال صدور حکم اعدام برای هاشم آجاجری، استاد دانشگاه تربیت مدرس، اعتراضات گسترده‌ای در دانشگاه‌های سراسر کشور رخ داد. به دنبال شدت گرفتن این اعتراضات، سپاه چهار نفر از اعضای وقت شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت را دستگیر کرد و آن‌ها را به یک بازداشتگاه تازه تاسیس برد. به دنبال این دستگیری مشخص شد که با تعطیلی بازداشتگاه ۵۹ در سال ۸۱، سپاه بلافاصله بند دو الف را در زندان اوین راه‌اندازی کرده و از آن به عنوان بازداشتگاه جدید خود استفاده می‌کند. اگرچه این بند به لحاظ فیزیکی درون زندان اوین قرار گرفته، اما به طور کامل به دست سپاه پاسداران اداره می‌شود. این بازداشتگاه در نزدیکی بند ۳۵۰ و بند ویژه روحانیت در اوین قرار دارد. یکی از این چهار زندانی تحکیمی به اطلس گفته است که در آن زمان این بازداشتگاه تازه تاسیس هنوز تکمیل نشده بود و سیستم گرمایشی آن نیز به درستی کار نمی‌کرد. از آن زمان تاکنون بند دو الف بسیاری از فعالان سیاسی را در خود جای داده است. از جمله در اعتراضات خیابانی سال‌های ۱۳۸۲، ۱۳۸۸، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ این بازداشتگاه محل نگهداری بسیاری از معترضان بوده است.

برخی از زندانیان قدیمی این بند به پژوهشگران اطلس گفته‌اند که «سلول‌های تابوتی‌ای در این بازداشتگاه وجود دارد که ساختار آن کاملاً مشابه تابوت است. از این تابوت‌ها برای اعمال شکنجه به قصد اعتراف گیری استفاده می‌شود.» روایت‌های زندانیان سیاسی نشان می‌دهد که در اعمال شکنجه و دوره‌های طولانی بازداشت موقت، تفاوتی بین بازداشتگاه دوالف و ۵۹ وجود ندارد و در سال ۸۱ چیزی جز مکان بازداشتگاه تغییر نکرده است.

مهدی امینی‌زاده عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت در اوایل دهه ۸۰، که سابقه بازجویی در بندهای ۲۰۹ (زیر



مصاحبه علی‌اکبر موسوی خوئینی

بازداشتگاه هم پس از سال ۸۸ تاکنون مدام توسعه یافته‌اند و برای نمونه امکاناتی مثل دیوارهای آینه‌ای در اتاق‌های بازجویی به آن‌ها اضافه شده است.

همچنین این بازداشتگاه دست کم سه اتاق جمعی نیز دارد که برای نگهداری طولانی‌مدت برخی از زندانیان از آن‌ها استفاده می‌شود. دو اتاق از این سه اتاق امکانات بهتری دارند و در بخشی مجزا از انفرادی‌ها قرار دارند؛ اما اتاق سوم در کنار سلول‌های انفرادی قرار دارد و سرویس بهداشتی و حمام آن با سلول‌های انفرادی مشترک است.

این بازداشتگاه همچنین دو هواخوری‌ای دارد که یکی از آنها شبیه یک محیط مسکونی است. و برخی از ساختمان‌های آن نیز نمایی شبیه به خانه دارند. به طور کلی رنگ نما و دیوارهای حیاط این بند «جگری» است. برخی از زندانیان که با چشمان بسته به این بند انتقال یافته بودند، تا مدت‌ها تصور می‌کردند که در یک خانه مسکونی در شمال تهران محبوس هستند. در این حیاط یک استخر نسبتاً بزرگ وجود دارد که در نزدیکی درب ورودی بازداشتگاه قرار دارد. در حیاط پشت ساختمان نیز یک زمین چند منظوره ورزشی وجود دارد که گاهی از آن برای هواخوری استفاده می‌شود. در موارد نادری زندانیان‌ها اجازه می‌دهند که زندانیان بدون استفاده از چشم‌بند در این حیاط هواخوری داشته باشند. در این موارد، نگهبان برای جلوگیری از شناسایی صورت خود را می‌پوشاند.

بازداشتگاه دو الف دو نوع سلول دارد. ابعاد سلول‌های نوع اول، دو متر در یک و نیم متر است. در این سلول‌ها سرویس بهداشتی وجود ندارد. اما در برخی دیگر سرویس بهداشتی نیز وجود دارد و ابعاد آن‌ها دو متر در سه متر است. در این سلول‌های دستشویی‌دار، برخلاف سلول‌های اغلب بازداشتگاه‌ها، محل خواب زندانی و دستشویی با یک درب از هم جدا شده‌اند. در سرویس تنها توالت وجود دارد و حمام در خارج سلول قرار دارد.

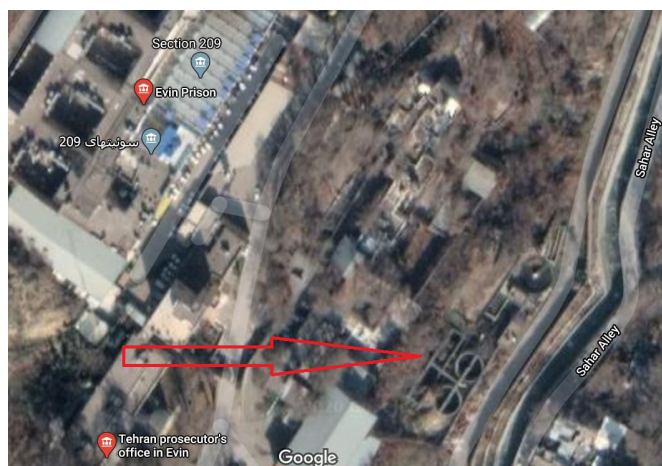
بازداشتگاه یک الف

بازداشتگاه «یک الف» متعلق به قرارگاه ثارالله است. محل دقیق این بازداشتگاه تاکنون مشخص نشده است. اما پژوهشگران اطلس به این نتیجه رسیده‌اند که این بازداشتگاه در شرق یا شمال شرقی تهران واقع شده است. در این مکان بازداشت‌شدگان زن و مرد در طبقات جدا از هم نگهداری می‌شوند. یکی از شاهدین در گفت‌وگو با اطلس زندان‌های ایران، برخورد کارکنان این بازداشتگاه را «خشن» توصیف کرده است. بر پایه اطلاعاتی که اطلس جمع‌آوری کرده، شماری از زندانیان در این بازداشتگاه مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند. از آنجایی که این بند تاکنون اغلب برای نگهداری زندانیان گمنام استفاده شده، اطلاعات تکمیلی، از جمله اطلاعاتی پیرامون تکنیک‌های تکرارشونده شکنجه در این بازداشتگاه، منتشر نشده است.

موقعیت مکانی

یک زندانی که سال ۹۷ در بازداشتگاه یک الف سپاه قرارگاه ثارالله نگهداری می‌شده، به پژوهشگر اطلس زندان‌های ایران گفته است: «برداشت من این است که این بازداشتگاه در نواحی شرقی تهران قرار دارد؛ مثلاً می‌تواند اطراف سرخه حصار باشد.» چندین زندانی در خصوص موقعیت جغرافیایی دقیق این مکان ابراز بی‌اطلاعی کرده‌اند، اما نظر همه آن‌ها این است که این بازداشتگاه در نیمه شرقی تهران

نظر وزارت اطلاعات) و دو الف (زیر نظر سپاه پاسداران) را دارد، بر اساس تجربه خود، برخوردهای صورت گرفته در دو الف را بسیار شدیدتر از ۲۰۹ می‌داند. او می‌گوید: «بیدارخوابی‌های چند شبانه روزی، ضرب و شتم شدید، پاشیدن آب یخ در سرمای شدید بر صورت و بدن و اعدام مصنوعی از جمله آزارهایی بود که من در دو الف متحمل شدم.» منابع دیگری نیز، اظهارات آقای امینی‌زاده را در رابطه با روش‌های متفاوت بازجویی در بندهای ۲۰۹ و دو الف تایید کرده‌اند، با این حال، به نظر می‌رسد که این تفاوت در روش‌ها در دوره‌های زمانی مختلف و بسته به دستورالعمل‌های مقطعی در مورد نوع برخورد با زندانیان متفاوت باشد. بخشی از نیروهای سیاسی داخل کشور، شامل اعضای جنبش دانشجویی، فعالین حقوق زنان، روزنامه‌نگاران، گروه‌های اصلاح‌طلب و افراد نزدیک به جریان ملی مذهبی در دوره‌های تجربه برخورد ملایم‌تر در بازداشتگاه‌های اطلاعات را داشته‌اند. اما در اعتراضات سال ۸۸ شکنجه‌های اعمال شده در بند ۲۰۹ حتی در مورد گروه‌های ذکر شده در برخی موارد از ۲ الف شدیدتر بوده است. همچنین متهمین به قتل دانشمندان هسته‌ای که بعدها عدم مشارکت‌شان در قتل‌ها ثابت و از زندان آزاد شدند، روایت‌های تکان‌دهنده‌ای از شکنجه‌ها و پرونده‌سازی‌های بند ۲۰۹ نقل کرده‌اند.



نقشه ماهواره‌ای بازداشتگاه دو الف

دفتر فنی دو الف

سعید ملک‌پور که در سال‌های ۸۷ و ۸۸ در بازداشتگاه دو الف محبوس بوده، در نامه‌ای که از اوین به بیرون فرستاد، از مکانی به نام «دفتر فنی» نام می‌برد که برای بازجویی و شکنجه بعضی از زندانیان بند دو الف در خارج زندان اوین استفاده می‌شده است. وحید اصغری نیز در نامه‌ای از مکان مشابهی به نام «شرکت» نام می‌برد و از شکنجه‌هایی شدیدی که در آنجا بر او رفته است می‌نویسد. بر پایه اظهاراتی از این دست می‌توان به این نتیجه رسید که شکنجه‌های بسیار شدیدتر زندانیان در ساختمان‌های سپاه در خارج بازداشتگاه دو الف صورت می‌گرفته است.

ساختار فیزیکی بازداشتگاه دو الف

بازداشتگاه دو الف از دو ساختمان جداگانه که از طریق یک حیاط به هم وصل می‌شوند تشکیل شده است. در یکی از ساختمان‌ها سلول‌ها و در دیگری، اتاق‌های بازجویی قرار دارند. بخش زنان بعد انتخابات ۸۸ به این بازداشتگاه اضافه شد. غیر از بخش زنان، اتاق‌های بازجویی و سایر بخش‌های

تمام نقاط تهران قرار دارند، منتقل می‌کنند. اکثر این اماکن پایگاه‌های بسیج، مساجد یا مدارسی هستند که به دستور سپاه، موقتاً به مقر نیروهای امنیتی تبدیل می‌شود. یکی از بازداشت‌شدگانی که در یکی از این مکان‌ها شکنجه شده، مسعود عبداللہی نام دارد. او از معترضینی است که در دی ۹۶ در چهارراه ولیعصر تهران توسط ماموران سپاه دستگیر شد. آقای عبداللہی در هنگام دستگیری، به غیرقانونی بودن رفتار مامورین اعتراض کرد و همین امر موجب ضرب و شتم شدید وی به دست نیروهای بسیج و سپاه شد. سپس آقای عبداللہی به یکی از مقرهای محلی بسیج یا سپاه انتقال یافت. پس از ورود، او را با لگد و باتوم طوری زدند که برای لحظاتی از هوش رفت. پس از این که آقای عبداللہی هوشیاری خود را به دست آورد، یکی از سپاهی‌ها مایعی روی او ریخت. آقای عبداللہی به اطلس زندان‌های ایران گفته است که در ابتدا تصور کرده که این مایع آب است، اما از بوی نامطبوع آن متوجه شده که سپاهی‌ها روی او ادرار ریخته‌اند. ماموران سپس او را به حیاط برده، او را روی دو زانو نشانده و از او خواستند که اشهد خود را بخواند. آقای عبداللہی که تصور می‌کرده لحظاتی بعد اعدام خواهد شد اشهد خود را خوانده و منتظر شلیک مانده بود. یکی از سپاهی‌ها با یک اسلحه خالی به سوی او نشانه‌گیری کرده و وانمود کرد که او را اعدام می‌کند. شاهدین متعدد در اظهارات خود از ضرب و شتم شدید یا شکنجه‌های از این دست هنگام دستگیری گفته‌اند. با این حال برخی دیگر از شاهدین گفته‌اند که ظرف چند ساعت یا چند روز آزاد شده و مورد بدرفتاری قرار نگرفته‌اند. از مکان‌هایی که در تظاهرات سراسری دی ۹۶ به عنوان مقرهای موقت سپاه مورد استفاده قرار می‌گرفتند می‌توان به مدرسه بهشت و مسجد سیدالشهدا که هر دو در نزدیکی میدان انقلاب قرار دارند اشاره کرد. بازداشت‌شدگانی که به مسجد سیدالشهدا منتقل شده بودند، برای ساعاتی در زیرزمین مسجد محبوس بودند.

و میکروفن ندارند.

ممدو بابایی یکی افراد بازداشت‌شده در دی ماه ۹۶ نیز در این مکان نگهداری شده است. یک منبع گمانه‌زنی کرده که چهره بور آقای بابایی باعث شده که این را فرصتی ببیند و او را مجبور کنند که اعتراف کند که برای کشورهایی مانند انگلیس جاسوسی می‌کرده است. امنیتی‌ها به او گفته بودند، در صورتی که همکاری نکنند، در بازداشت خواهد ماند. او در نهایت مجبور شده بود که در مقابل دوربین اعتراف کند. ممدو بابایی بعداً به قید وثیقه آزاد شد.

اطلاعاتی که اطلس زندان‌های ایران جمع‌آوری کرده نشان می‌دهد که اکثر افرادی که به این بازداشتگاه منتقل می‌شوند، اشخاصی هستند که سابقه بازداشت قبلی نداشته‌اند. همچنین تعدادی از معترضان خیابانی استان تهران که توسط سپاه دستگیر می‌شوند، به این بازداشتگاه منتقل می‌شوند. زندانیانی که با پژوهشگران اطلس صحبت کرده‌اند می‌گویند چشم‌های تمامی زندانیان از مبدأ تا مقصد بسته است و سپاهی‌ها نیز در طول مسیر آن‌ها را تحت نظر دارند. علاوه بر اینکه چشم متهم به طور کامل بسته است، چهار طرف مینی‌بوس‌های انتقال زندانی نیز با پرده پوشیده شده است؛ حتی بین راننده و زندانی‌ها نیز پرده‌ای قرار داده‌اند.

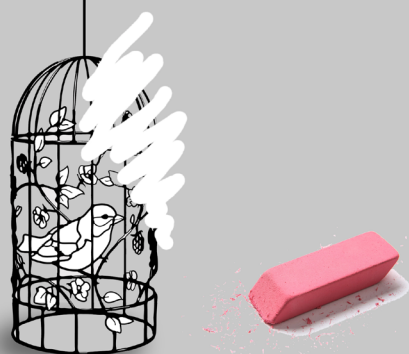
بر پایه اطلاعات اطلس زندان‌های ایران، قرارگاه ثارالله در چند سال گذشته از دستبندهایی استفاده می‌کند که در دیگر ارگان‌های امنیتی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. این دستبند از جنس ریسمن، اما شبیه دستبندهای فلزی است.

مقرهای موقت ثارالله

قرارگاه ثارالله که در زمان اعتراضات در تهران، وظیفه سرکوب و دستگیری معترضان را بر عهده دارد، چند بازداشتگاه دیگر را نیز مورد استفاده قرار می‌دهد. اما علاوه بر این بازداشتگاه‌ها، هنگام اعتراضات میدانی، در ابتدا معترضین دستگیرشده را به بازداشتگاه‌های موقتی که در

UNITED FOR
IRAN

با ما تماس بگیرید:
ipa@united4iran.org
www.ipa.united4iran.org



اطلس زندان‌های ایران
در جست‌وجوی
زندانیان سیاسی، عقیدتی و
ناپدیدشدگان اجباری است